

دانشگاه آزاد می تواند به «پل ارتباطی» سیاست‌های کلان ملی و نیازهای خُرد محلی تبدیل شود

سه تغییر برای تبدیل دانشگاه به نهاد جامعه‌ساز



دکتر احمد روشنی
عضو هیئت‌علمی و مدیر کل نظارت بر امور فرهنگی، تربیتی و سرمایه‌ انسانی دانشگاه در دبیرخانه هیئت‌مؤسسی

در جهان پیچیده و چندبعدی امروز، فرهنگ به مثابه ریشه‌های نامرئی هویت جمعی، نه تنها نقش محوری در شکل دهی به ساختارهای اجتماعی دارد، بلکه به‌عنوان عاملی پیش‌برنده یا بازدارنده در مسیر توسعه پایدار عمل می‌کند. با تکیه بر میراث چندین هزارساله کشور و تنوع بی‌مانند قومی، زبانی و مذهبی در این پهنه گسترده، مسئله «آمایش فرهنگی» و تدوین «سیاست‌های منطقه‌ای فرهنگی» به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده‌است. دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای علم‌آفرین و جامعه‌ساز، در این نقش‌یفی دوگانه ایفا می‌کنند؛ از یک‌سو، باید حافظ و مروج گنجینه‌های فرهنگی بومی باشند و از سوی دیگر، با تبدیل فرهنگ به محرکی برای توسعه همگرا، شکاف‌های تاریخی بین مناطق را به فرصت‌هایی برای گفت‌وگو و پیشرفت تبدیل کنند.

اما واقعیت این است که رویکردهای یکسان‌ساز و متمرکز به فرهنگ در دهه‌های گذشته، نه‌تنها توانسته‌پویند ارگانیک بین دانشگاه و جامعه محلی را تقویت‌کنند، بلکه گاه به ناپایده گرفتن ظرفیت‌های منحصر‌به‌فرد منطقه‌ای انجامیده‌است. در این شرایط، بهره‌گیری از «آمایش فرهنگی» به‌عنوان چهارچوبی راهبردی، برای دانشگاه‌ها سبب درک جغرافیای فرهنگی هر منطقه (ترکیب جغرافیا، تاریخ و فرهنگ) و طراحی سیاست‌هایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای محلی می‌شود که فرهنگ را به مثابه زنجیره‌ای برای اتصال جوامع محلی به یکدیگر به کار می‌گیرند. نقش دانشگاه‌ها در بازتعریف رابطه بین سیاست‌گذاری کلان فرهنگی و آمایش منطقه‌ای، در گزاره محوری که «فرهنگ، بستر توسعه‌است» نمود پیدا می‌کند. پرسش اصلی این است: چگونه می‌توان دانشگاه‌ها را به آزمایشگاه‌های زنده تدوین سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر جغرافیای انسانی تبدیل کرد؟ در نگاه نخست، تحقق این هدف مستلزم گذار از نگاه صرفاً «توصیفی» به فرهنگ، به سمت رویکردی «تأسیسی» است؛ رویکردی که در آن دانشگاه با همکاری ذی‌نفعان محلی، نه‌تنها آسیب‌ها و قوت‌های فرهنگی را شناسایی می‌کند، بلکه با خلق مدل‌های بومی توسعه، فرهنگ را به موتور محرکه پیشرفت متوازن تبدیل می‌نماید. در این راستا، آمایش فرهنگی چگونه می‌تواند دانشگاه را از برج عاج‌نشینی علمی به صحنه‌گردان تحولات اجتماعی ارتقا دهد؟

ضرورت نگاه ناحیه‌ای به نقش دانشگاه در حل مسائل جامعه

در کشوری با جغرافیای متنوع و پیچیده مانند ایران که هر ناحیه‌اش جهانی از تاریخ، اقتصاد و فرهنگ منحصر‌به‌فرد را در خود جای داده‌است، تقلیل نقش دانشگاه به یک الگوی یکپارچه و سراسری، نه‌تنها ناکارآمد است، بلکه به عاملی برای تشدید نابرابری‌ها تبدیل می‌شود. نگاه ناحیه‌ای به دانشگاه به‌معنای درک این واقعیت‌است که مسائل جوامع محلی و ناحیه‌ای در بسترهای تاریخی و فرهنگی متفاوتی شکل گرفته‌اند و نیازمند راهکارهای بومی‌شده هستند. دانشگاهی که در قلب این تنوع قرار دارد، نمی‌تواند با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های متمرکز و دور از واقعیت‌های محلی، پاسخ‌گویی نیازهای توسعه‌ای باشد. برای نمونه، مسئله مهاجرت جوانان از روستاهای خراسان شمالی به کلان‌شهرها، تنها با تحلیل عاملیت‌های اقتصادی حل نمی‌شود. این پدیده ریشه در تحولات هویتی و سبب‌ب زندگی، سرمایه اجتماعی و حتی تغییرات اقلیمی خاص آن منطقه دارد. دانشگاه ناحیه‌گرا می‌تواند با تبدیل شدن به «میدان تحقیق زنده»، این لایه‌های پنهان را آشکار کند و راهکارهایی ارائه دهد که هم‌زمان معیشت، هویت و محیط زیست را بازسازی کنند.

این نگاه، دانشگاه را از جایگاه منفعل مصرف‌کننده دانش جهانی، به تولیدکننده معرفت و حکمت بومی ارتقا می‌دهد. برای نمونه در استان‌های شمالی که توسعه گردشگری بی‌ضابطه به تخریب محیط زیست و فرهنگ محلی انجامیده‌است، دانشگاه با همکاری شوراهای روستایی می‌تواند پروتکل‌های «گردشگری مسئولانه» را مبتنی بر ارزش‌های بومی تدوین نماید. این همان نقطه تلاقی علم و عمل است که دانشگاه را به حلقه واسط بین سیاست‌گذاران ملی و نیازهای محلی تبدیل می‌کند.

شاید پرسش اصلی این باشد: چرا بدون نگاه ناحیه‌ای، دانشگاه در حل مسائل جامعه ناتوان می‌ماند؟ پاسخ در ذات مسائل پیچیده امروز نهفته‌است. مشکلاتی مانند فقر، نابرابری جنسیتی یا بحران آب، در هر منطقه صورتی متفاوت به خود می‌گیرند. سیاست‌های کلیشه‌ای که بدون توجه به بستر فرهنگی-اجتماعی اجرا می‌شوند، مانند نسخه پزشکی هستند که برای همه بیماران یکسان تجویز شود. دانشگاه ناحیه‌گرا، اما با نقشه‌برداری از «ژن‌های فرهنگی» هر منطقه، دارویی را عرضه می‌کند که هم بیماری را درمان می‌کند و هم ایمنی بدن را تقویت می‌نماید.

آگهی قانون‌تعیین تکلیف وضعیث‌ثنی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه‌ثنی نوشهر
نظر به دستور مولا ۱۵ قانون‌تعیین تکلیف وضعیث‌ث اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثنی نوشهر مورد رسیدگی و تصرّف‌نات مالکانه و بی‌لامعرض آنان محرز واری لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضی‌وقع درقره‌کلیزپاک۱۵اصلی بخش۵پلاقی‌کلاسه۱۳۸۲/۲۸۲۱۴۰۲

این نهاد با تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی هر ناحیه، نه‌تنها مشارکت مردمی در پروژه‌های توسعه‌را افزایش می‌دهد، بلکه زمینه‌را برای ظهور نوآوری‌های اجتماعی ریشه‌دار فراهم می‌سازد. درنهایت، نگاه ناحیه‌ای به دانشگاه، پاسخی‌است به این ضرورت تاریخی که پیشرفت واقعی، نه از مسیر یکسان‌سازی که از رهگذار بهره‌گیری هوشمندانه از تنوع و شکل‌دهی به یک کل منسجم و هماهنگ حاصل می‌شود.

آمایش فرهنگی: از کثرت تا وحدت هوشمند

آمایش فرهنگی در بنیادی‌ترین تعریف، به‌معنای سسمان‌دهی هدفمند منابع و ظرفیت‌های فرهنگی یک سرزمین در راستای تحقق توسعه متوازن و پایدار است. ایسن مفهوم فراتر از برنامه‌ریزی صرفاً کالبدی را اقتصادی، بر «جایگاه فرهنگ» به مثابه زیرساخت نامرئی پیشرفت تأکید می‌کند. در سرزمینی مانند ایران که گنجینه‌ای از خرده‌فرهنگ‌ها را در آغوش دارد، آمایش فرهنگی به مثابه نقشه راهی عمل می‌کند که تنوع را نه به‌عنوان مانع، بلکه به‌عنوان موتور محرکه وحدت ملی بازتعریف می‌نماید. این فرایند مستلزم آن‌است که هر منطقه بر اساس مختصات تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی خود، به «مختصات فرهنگی» منحصر‌به‌فردی دست یابد که هم پاسخ‌گویی نیازهای داخلی است و هم امکان اتصال به شبکه بزرگ‌تر ملی و فراملی را فراهم می‌سازد. برای نمونه در ناحیه زاگرس نشین که زندگی عشایری و کشاورزی قرن‌هاست با محیط زیست کوهستانی در هم تنیده‌است، آمایش فرهنگی باید بر حفظ دانش بومی مدیریت منابع آب و مراعات تمرکز کند. دانشگاه‌های این منطقه می‌توانند با تبدیل این دانش به پروتکل‌های علمی نوین، هم از فرسایش خاک جلوگیری‌کنند و هم اقتصاد محلی را با ایجاد مشاغل مرتبط با اکوتوریسم پایدار تقویت نمایند.

اما چالش اصلی در اجرای آمایش فرهنگی، عبور از نگاه جزیره‌ای ایستا و محدود در چهارچوب‌های خاص به فرهنگ است. آمایش فرهنگی کارآمد، مستلزم نگاهی پویا و چندلایه است؛ از یک‌سو، باید میراث گذشته‌گان را به شیوه‌ای علمی حفظ کرد و از سوی دیگر، فرهنگ را به مانند زبانی زنده در خدمت حل مسائل امروزین قرار داد. برای نمونه در حاشیه کویر مرکزی ایران که خشکسالی و مهاجرت، بافت اجتماعی را دچار گسست کرده‌است، دانشگاه‌ها می‌توانند با پژوهش در زمینه احیای آیین‌های جمعی مرتبط با آب (مانند قنات‌سازی و تقسیم سنتی آب)، هم حس تعلق خاطر به زمین را تقویت‌کنند و هم مدل‌های نوین مدیریت مشارکتی را طراحی نمایند.

نکته کلیدی آن‌است که آمایش فرهنگی، بدون مشارکت نهادهای علمی، به‌ویژه دانشگاه‌ها، به سرنوشتی مشابه طرح‌های شکست‌خورده گذشته دچار می‌شود. دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای بی‌طرف و دانش‌بنیان، می‌توانند با نقشه‌برداری از گسل‌های فرهنگی (مانند تعارضات قومی، حاشیه‌نشینی هویتی یا فرسایش زبان‌های محلی)، راهکارهایی ارائه دهند که هم از بالا (سیاست‌گذاران) و هم از پایین (جامعه محلی) پذیرفته‌شود. این همان مسیری است که می‌تواند «تنوع فرهنگی» را از حرف به عمل تبدیل‌کند و ایران را به الگویی برای توسعه چندصدایی در جهان تبدیل نماید. در این مسیر، هر دانشگاه به سنگری تبدیل می‌شود که نه‌تنها از هویت ناحیه خود پاسداری می‌کند، بلکه آن را به قطعه‌ای ضروری از پازل بزرگ‌تر ملی و جهانی پیوند می‌زند.

فرصت‌های ناحیه‌ای برای حل چالش‌های فرهنگی

هر ناحیه از ایران، گنجینه‌ای از قوت‌های فرهنگی است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری راهبردی برای مقابله با چالش‌های محلی و ملی به کار گرفته‌شود. این قوت‌ها، از میراث ملموس و ناملموس گرفته تا الگوهای هم‌زیستی اجتماعی، نه‌تنها نشانگر هویت یک منطقه هستند، بلکه به مثابه «سرمایه نامذین» می‌توانند زمینه‌ساز تحولات اقتصادی، آموزشی و اجتماعی شوند. فرصت‌های فرهنگی نیز در دل همین قوت‌ها نهفته‌است و آیین‌های دینی و مذهبی هر منطقه، می‌توانند به پایه‌ای برای توسعه گردشگری معنوی تبدیل‌شوند که هم اقتصاد محلی را رونق می‌بخشد و هم حس تعلق به سنت‌های دینی و مذهبی را در میان جوانان احیا می‌کنند. اما چگونه می‌توان از این قوت‌ها و فرصت‌ها برای حل چالش‌های فرهنگی بهره برد؟ پاسخ در «بازتعریف مشکلات بر اساس دارایی‌های موجود» است. یا به‌عنوان مثال، در مناطق کویری و شرقی کشور، سبک معماری بومی مبتنی بر خنک‌سازی طبیعی که قرن‌ها بدون مصرف انرژی پاسخگویی اقلیم گرم بوده‌است، می‌تواند الهام‌بخش پروژه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها در حوزه معماری پایدار شود و به‌عنوان مدلی برای بهره‌سازی نوین در مناطق خشک معرفی گردد. این فرصت‌ها زمانی به فعلیت می‌رسند که دانشگاه‌ها با همکاری جامعه محلی، نقش «کاتالیزور» را ایفا کنند و دانش بومی را با فناوری‌های روز پیوند زنند. به همین ترتیب، در مناطق مرکزی ایران که با چالش مهاجرت جوانان و فرسایش

بافت روستایی روبه‌روست، دانشگاه‌ها می‌توانند با احیای جشنواره‌های زراعی محلی و تلفیق آن با فناوری‌های کشاورزی دقیق، هم انگیزه ماندگاری در روستاها را افزایش دهند و هم بهره‌وری را بهبود بخشند. نکته کلیدی آن‌است که تقویت قوت‌های فرهنگی، تنها به حفاظت از گذشته محدود نمی‌شود، بلکه با خلق «امکان‌های جدید»، چالش‌های امروز را به فرصت‌های فردا تبدیل می‌کند. دانشگاه‌ها در این فرایند، با ایفای نقش پلنفرمی برای گفت‌وگو بین نسل‌ها، رشته‌ها و نهادهای، می‌توانند اطمینان حاصل‌کنند که توسعه فرهنگی، نه از مسیر تحمیل الگوهای بیرونی که از رهگذار توانمندسازی رشته‌های محلی حاصل می‌شود. این همان مسیری است که تنوع فرهنگی ایران را از عامل تفرقه به منبعی بی‌همتا برای وحدت و پیشرفت تبدیل می‌کند.

آمایش فرهنگی ونقش دانشگاه در توسعه نواحی

دانشگاه آزاد به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین و مردمی‌ترین نهادهای آموزش عالی در کشور، در موقعیتی بی‌بدیل برای پیوند آمایش فرهنگی با توسعه ناحیه‌ای قرار دارد. این دانشگاه با دسترسی مستقیم به بافت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف، می‌تواند به «پل ارتباطی» بین سیاست‌های کلان ملی و نیازهای خُرد محلی تبدیل‌شود. برای نمونه، واحدهای دانشگاهی واقع در مناطق مرزی شرق یا غرب کشور، با توجه به هم‌جواری با کشورهای همسایه و تنوع قومی بالا، می‌توانند برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود را بر دیپلماسی فرهنگی، مدیریت و توسعه گردشگری فرامرزی متمرکز کنند. این رویکرد نه‌تنها به تقویت هویت ملی در این نواحی کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های اقتصادی نوینی را از رهگذار تعاملات فرهنگی خلق می‌نماید.

یکی از مزیت‌های کلیدی دانشگاه آزاد، انعطاف‌پذیری ساختاری آن در طراحی برنامه‌های آموزشی منطبق با ویژگی‌های ناحیه‌ای است. برای مثال، واحدهای دانشگاهی مساحلی می‌توانند با فعالیت در حوزه‌هایی مانند «مدیریت بندار و فرهنگ دریانوردی» یا «توسعه گردشگری ساحلی با تکیه بر میراث فرهنگی نواحی ساحلی»، هم‌زمان به نیازهای بازار کار محلی پاسخ دهند و فرهنگ بومسی مرتبط با دریا را احیا کنند. به همین ترتیب، در استان‌های کویری، دانشگاه‌می‌توانند با راه‌اندازی مراکز پژوهشی تخصصی در حوزه «معماری پایدار کویری» یا «مدیریت منابع آب بر پایه دانش بومی»، چالش‌های اقلیمی را به فرصت‌هایی برای نوآوری تبدیل نمایند. این سطح از بومی‌سازی، دانشگاه را از حالت مصرف‌کننده محض دانش وارداتی خارج کرده و آن را به تولیدکننده راهکارهای بومی ارتقا می‌دهد.

علاوه بر این، دانشگاه آزاد با تکیه بر شبکه گسترده دانش‌آموختگان خود، می‌تواند به‌عنوان بازوی اجرایی پروژه‌های توسعه ناحیه‌ای عمل کند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در سطوح مدیریتی محلی، صنایع کوچک و متوسط و نهادهای مدنی فعال‌اند. این ظرفیت، امکان ایجاد «اکوسیستم توسعه و پیشرفت مشارکتی» را فراهم می‌کند که در آن، دانشگاه به‌عنوان هسته مرکزی دانش‌آموختگان را به‌عنوان سفیران فرهنگی-اقتصادی مناطق خود تربیت می‌کند. برای نمونه، در استان‌های زاگرس نشین، دانشگاه می‌تواند با همکاری فارغ‌التحصیلان فعال در حوزه دامپروری، مدل‌های نوینی ترکیبی دانش مدرن و شیوه‌های سنتی کوچ‌نشینی را طراحی‌کند تا هم از تخریب مراتع جلوگیری‌شود و هم معیشت جوامع محلی پایدار بماند.

با این حال، تحقق این نقش‌آفرینی نیازمند گذار از رویکرد صرفاً کمی به کیفی در مدیریت فرهنگی دانشگاه است. واحدهای دانشگاه آزاد باید تا تدوین «سند آمایش فرهنگی ناحیه‌ای» برای هر استان، اولویت‌های پژوهشی و آموزشی خود را بر اساس فرصت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی همان منطقه تعیین کنند. این رویکرد، دانشگاه را از حالت بنگاه صرفاً آموزشی خارج کرده و به نهادی تبدیل می‌کند که توسعه ناحیه‌ای را پیش می‌برد. در نهایت، دانشگاه آزاد با تکیه بر مزیت مقیاس و تنوع، می‌تواند الگویی پیش‌رو در ادغام آمایش فرهنگی با توسعه و پیشرفت ناحیه‌ای ارائه دهد. این دانشگاه با تبدیل هر واحد استانی به «آزمایشگاه زنده فرهنگ و توسعه»، با دوری از تمرکزگرایی آسیب‌ز، به سوی پیشرفت ملی مبتنی بر مشارکت فرهنگ‌های محلی حرکت می‌کند.

چالش‌های مطالعه آمایش فرهنگی

مطالعه آمایش فرهنگی و تنوع فرهنگی با چالش‌های روش‌شناسانی پیچیده‌ای روبه‌روست که ناشی از ماهیت چندبعدی و پویای فرهنگ است. نخستین چالش، فقدان داده‌های جامع و بومی در باره شاخص‌های فرهنگی در سطح ناحیه‌ای است. بسیاری از مناطق ایران فاقد بانک‌های اطلاعاتی نظام‌مند در حوزه‌هایی مانند زبان‌های محلی، آیین‌های در حال فراموشی یا الگوهای مصرف فرهنگی‌اند.

این کمبود، پژوهش‌گران را به اتکا بر داده‌های کلان ملی سوق می‌دهد که اغلب با واقعیت‌های محلی ناهم‌خوان است. دومین چالش، ذات کیفی و ذهنی فرهنگ است که اندازه‌گیری آن را به روش‌های کُتی مرسوم دشوار می‌کند. سومین چالش، تعارض پارادایم‌های پژوهشی است؛ مطالعات فرهنگی نیازمند تلفیق روش‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ شفاهی و حتی علوم جغرافیایی است، اما فقدان چهارچوب‌های میان‌رشته‌ای، اغلب به تقلیل گرایشی روش‌شناختی می‌انجامد. حتی با وجود داده‌های دقیق، تبدیل یافته‌های پژوهشی به برنامه‌های اجرایی عملیاتی، چالش دیگری است. سیاست‌های فرهنگی دانشگاه‌ها اغلب یا بیش‌ازحد کلی و انتزاعی هستند یا آنقدر جزئی‌نگر که قابلیت تعمیم به سایر مناطق را ندارند. این شکاف بین پژوهش و عمل، ناشی از نبود «چهارچوب‌های ترجمه و گفتمان دانش» است که بتواند یافته‌های فرهنگی را به زبان برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تبدیل‌کند.

راهکارهای جاری‌سازی آمایش فرهنگی دردانشگاه

برای غلبه بر این چالش‌ها، دانشگاه آزاد به‌عنوان نهادی با گستردگی جغرافیایی و ظرفیت‌های اجرایی، می‌تواند راهکارهای زیر را پیش‌گیرد.

۱- تدوین سند استاندارد روش‌شناختی بومی مبتنی بر پروتکل‌های پژوهشی ویژه هر ناحیه که ترکیبی از روش‌های کُتی (پرسش‌نامه، تحلیل آماری) و کیفی (مصاحبه‌های عمیق، مشاهدات میدانی) را به کار گیرد.

۲- ایجاد شبکه‌ای از پژوهشگران محلی: آموزش و به‌کارگیری نیروهای بومی در جمع‌آوری داده‌ها، چراکه آشنایی آنان با ظرایف فرهنگی، خطاهای ناشی از تفسیرهای بیرونی را کاهش می‌دهد. واحدهای دانشگاهی در استان‌ها می‌توانند با جذب دانشجویان محلی، پایگاه‌های داده‌ای زنده ایجاد کنند.

۳- طراحی سکوی مشارکتی دیجیتال: از جمله توسعه اپلیکیشن‌ها یا پلتفرم‌های آنلاین برای ثبت مشارکتی میراث فرهنگی توسط مردم.

۴- تشکیل اتاق‌های فکر ناحیه‌ای: ایجاد گروه‌های کاری متشکل از پژوهشگران، مدیران اجرایی دانشگاه و نمایندگان جامعه محلی

برای تبدیل یافته‌های پژوهشی حوزه فرهنگی و اجتماعی به طرح‌های عملیاتی، پیوند دوجدریزی به شاخص‌های فرهنگی: تخصیص بودجه‌های پژوهشی و اجرایی بر اساس اولویت‌های آمایش فرهنگی هر ناحیه. دانشگاه آزاد اسلامی با تکیه بر شبکه عظیم واحدهای خود، می‌تواند مدلی پیش‌رو در تبدیل چالش‌های روش‌شناختی به فرصت‌های نوین ارائه دهد. دانشگاه آزاد می‌تواند با گذار از الگوهای متمرکز و کلیشه‌ای، به بازی‌گرانی محوری در تبدیل «تنوع» به «مزیت رقابتی» تبدیل‌شود. آمایش فرهنگی، در این مسیر، تنها یک برنامه‌ریزی اداری نیست؛ بلکه فلسفه‌ای است که توسعه ناحیه‌ای را در گرو احترام به ژرفای تاریخی و ظرفیت‌های نمایان هر منطقه می‌داند.

کلید موفقیت، عبور از پژوهش‌های توصیفی صرف و حرکت به سمت پژوهش-عمل مشارکتی» است که در آن، هر واحد دانشگاهی به کانونی برای تولید راهکارهای بومی تبدیل می‌شود. این امر نه‌تنها کیفیت برنامه‌های فرهنگی را افزایش می‌دهد، بلکه دانشگاه را به بازی‌گری کلیدی در توسعه پایدار بدل می‌سازد. دانشگاه آزاد، با تکیه بر شبکه واحدهای دانشگاهی خود، می‌تواند با تبدیل هر شهر به «آزمایشگاه زنده فرهنگ و توسعه»، مدلی نوین از حکمرانی فرهنگی ارائه دهد؛ مدلی که در آن، دانش‌آموخته دانشگاه‌آزاد در هر استان، نه نسخه‌برداری از تهران یا پاسخ‌گویی نیازهای محلی ناحیه خود است. این همان مسیری است که توسعه ملی را از رهگذار هم‌پس‌گامی منطقه‌ای ممکن می‌سازد. اما موفقیت این مسیر، در گرو سه تحول بنیادین است: نخست، گذار از پژوهش‌های توصیفی به اقدامات تأسیسی، که در آن دانشگاه تنها به ثبت فرهنگ نمی‌پردازد، بلکه با خلق نهادهای نوین (مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری فرهنگی)، اقتصاد خلاق محلی را تقویت می‌کند. دوم، ایجاد زبانی مشترک بین نخبگان دانشگاهی و جامعه محلی، تا پروژه‌هایی مانند احیای صنایع دستی یا گردشگری پایدار، نه از بالا، که از دل گفت‌وگوهای میدانی متولد شوند. سوم، بازتعریف مأموریت دانشگاه به‌عنوان «سازمان یادگیرنده فرهنگ‌محور»، که در آن، هر واحد دانشگاهی، آیین‌های است برای بازتاب ایده‌ها و دردهای ناحیه خود. در پایان، باید پذیرفت که آمایش فرهنگی، پروژه‌ای نیست که یک‌شبه و با عجله به سرانجام برسد. دانشگاه آزاد، با برخورداری از پتانسیل بی‌بدیل مردمی بودن و گستردگی جغرافیایی، می‌تواند طلایه‌دار این جنبش باشد؛ جنبشی که در آن، ایران هزاررنگ، در ورای شاخص‌های هویت اسلامی-ایرانی کلان و در اشتیاق بهره‌گیری هوشمندانه از تکرر، الگویی نوین برای جهان می‌سازد. تنها در این صورت است که می‌توان از دانشگاه به‌عنوان «سازمان جامعه‌ساز» یاد کرد؛ نهادی که نه‌تنها ذهن‌ها، بلکه قلب‌ها را نیز برای ساختن ایرانی آبادتر و انسانی تر مهیا می‌کند.

۱۳ آیین‌نامه‌مذکور درموردقسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه‌ثنی پذیرفته‌نشده واحد ثنی با راری هیت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی توثی و تحدید حدود به‌صورت هم‌زمان به اطلاع عموم می‌رسانند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فادلساقه‌تحدید حدودواحد ثنی آگهی تحدید حدود را به‌صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشارنویت اول: ۱۴۰۳/ ۱۲/ ۰۴
تاریخ انتشارنویت دوم: ۱۴۰۳/ ۱۲/ ۱۸
میم‌الف: ۱۸۷۲۵۵-
اگیرمقدسی فر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

شرایط متقاضی:

۱- **اشخاص حقوقی:** ارانه اسانسانه، آگهی تاسیس شرکت، آخرین تغییرات شرکت ،
کبی صفحات شناسنامه و کارت ملی مدیرعامل و اعضای هیت‌مدیریه
۲-**اشخاص حقیقی:** کبی تمامی صفحات شناسنامه و کارت ملی برای اشخاص حقیقی
محل تحویل اسناد: اهواز – بلوار گلستان فلکه فرهنگ‌شهر – دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز- طبقه دوم ساختمان اداری ـ دبیرخانه کمیسرین معاملات
ضمناً هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد. دانشگاه در رد با قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار و ارانه بیشترین پیشنهاد ملاک عمل جهت انتخاب برنده نبوده و بنا بر صرفه و صلاح دانشگاه اقدام خواهد شد. و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. شرکت در مزایده و دادن پیشنهادات به منزله قبول اختیارات و تکلیف دستگاه مزایده‌گذار است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱-۳۳۳۴۸۲۵۵ تماس حاصل فرماید.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان
WWW.FDN.IR

farhikhteganonline

فرهیختگان

دانشگاه

شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳
شماره ۴۳۳۲
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مدرسه عالی مهارتی
رسانه‌ای فرهیختگان

۰۹۱۰۶۵۳۵۳۵



Farhikhtegan_school

مجری انحصاری تبلیغات
دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی
سیهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

۵

فرهیختگان